

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

کلمات مشترک زبان انگلیسی با سایر زبان ها

Common words in English

Q.K

فارسی
عربی
ترکی

یکم

فصل

2016



[Type the company address]

کلمات مشترک انگلیسی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

کلمات مشترک انگلیسی

مهم ترین بخش در یادگیری هر زبانی مسلط بودن بر کلمات موجود در آن زبان است بدیهی است تسلط بر این واژگان مستلزم تمرین های مستمر میباشد لذا با درک این موضوع بر آن شدیم که با جمع آوری کلمات مشترک انگلیسی در زبان فارسی و کلمات فارسی در انگلیسی و زبان های خارجی دیگر این واژگان را که بالغ بر 250 کلمه است را در راستای یادگیری سریع کلمات انگلیسی در اختیار شما قرار دهیم.

در این جلد کلمات مشترک سه زبان فارسی، عربی و ترکی را قرار داده ایم البته برای بهرهمندی بهتر از کتاب بعد از هر شش کلمه مشترک یک کلمه تافل را اضافه نموده ایم.

درصد بندی کلمات:

فارسی 53 درصد

عربی 6 درصد

ترکی 25 درصد

تافل 16 درصد

موفق و سر بلندر باشی

کلمات مشترک انگلیسی

کلمات انگلیسی با ریشه فارسی 1

Word	Origin	word	origin
address	آدرس	pepper	فلفل
arch	قوس ارک	spinach	اسفناج
candy	برگرفته از کلمه قند در انگلیسی شیرینی معنا میشود.	nenuphar	نیلوفر
candidate	کاندیدا در قدیم کاندیدای وکالت لباس سفید شگری میپوشید.	king	برگرفته از کیان به معنای پادشاه
Botanic	از کلمه بوته بمعنای گیاهی است.	appealing	جالب از کلمات تافل interesting
better	بهتر	orange	در قدیم به پرتقال نیز نارنج می گفتند.
caravan	کاروان	Lemon	لیمو
withdraw	ترک کردن leave	kebab	کباب
sugar	شکر	salad	سالاد
bad	بد	-	-

کلمات مشترک انگلیسی

کلمات انگلیسی وارد شده در زبان فارسی

Word	origin	Explain	synonym
آداپتور	adaptor	نوعی وسیله الکتریکی است	To change
آسفالت	Asphalt	-	-
آمبولانس	ambulance	-	A vehicle
آنتن	antenna	-	-
آنتیک	antique	عتیقه	-
آیفون	IPhone	نوعی موبایل	
concur	-	موافق	agree
اتومبیل	automobile	-	
استیل	steel	-	
اکازین	occasion	موقعیت-شرایط	situation
اکسیژن	oxygen	-	
اورجینال	original	اصلی	fundamental
اورژانس	emergency	اضطراری	
baffle	معما	-	puzzle
ایر بگ	airbag	کیسه هوا	
بالانس	Balance	تعادل	
بالکن	Balcony	بالاخانه	
بانک	Bank	-	
برادر	Brother	-	
بروشور	brochure	دفترچه راهنما	
rigid	استوار	-	firm
بلبرینگ	ball bearing	-	
بولدوزر	bulldozer	-	
بولوار	Blvd.	-	
پارک	park	-	
پارکینگ	parking	-	
پد	pad	سطح مسطح	
conceal	مخفی	-	hide
پروژکتور	projector	نور افکن	
پرینتر	printer	چاپ کردن	
پست	post	-	
پمپ	pomp	تلمبه	
پورت	port	بندر	
پیانو	piano	-	

کلمات مشترک انگلیسی

تئاتر	theater		
پروسه	process	فرایند	
پروگرام	program	برنامه	
Obtain	-	بدست آوردن	gain
ناچ پد	Touch pad	صفحه لمسی	
تاکسی	Taxi		
تانک	Tank		
تایم	Time	زمان	
ترافیک	traffic		
تراکتور	tractor		
impressive	-	Very good	بسیار عالی
تستر	toaster		
تلفن	telephone		
تلویزیون	television		
تور	Tour	مسافرت	
تله کابین	tele cabin		
توربین	turbine		
distinct		different	متفاوت
تونل	tunnel		
تی شرت	T shirt		
جت	jet		
چارت	chart	نمودار	
چت روم	chatroom		
دریل	drill		مته
mention	-	To say	ذکر کردن
دکتر	doctor	پزشک	
دیکشنری	Dictionary	لغت نامه	
رزومه	resume	سابقه کاری	
رم	ram	حافظه	
ریل	rail		
ریموت	remote	دور	
Shift	-	تغییر در مکان یا جهت	A change in position or

کلمات مشترک انگلیسی

			direction
ساندویچ	sandwich		
سایت	site	مکان	
سوپر مارکت	supermarket		
سوییچ	switch	کلید	key
سینما	cinema		
شانس	chance		
Facet	-	جنبه های مختلف	aspect
شورت	short		
فازمتر	Phase meter		
فایل	file		
فروم	forum		
فریزر	freezer		
فکس	Fax		
Ample	-	more than enough	بسیار کافی
فلش	Flash		
فیش	Fish		
کابل	Cable	سیم	
کاتالوگ	catalogue		
کاتر	Cutter	تقطیع کننده	
کارت	cart		
Adhere	-	follow	پیروی کردن
کافی شاپ	Coffee shop	قهوه خانه	
کاکتوس	cactus		
کامپیوتر	computer		
کایت	kite	بادبادک	
کپسول	capsule	کیسه	
کلاچ	clutch		
Convey	-	communicate	انتقال دادن
کنترل	Control		
کنسل	Cancel		لغو
کولر	Cooler		خنک کننده
کیبورد	Keyboard		صفحه کلید
کیوی	Kiwi		

کلمات مشترک انگلیسی

گاراژ	Garage	parking	توقف گاه
Comply	-	To follow	پیروی کردن
گارد ریل	Guardrail	محافظ ریل	
گیتار	Guitar		
لامپ	Lamp		
لودر	Loader	bulldozer	باربر
لوکس	Luxury	new	نو
مادربرد	Motherboard	Mainboard	صفحه اصلی
Swift	-	quick	سریع
ماسک	Mask		
ماشین	machine		
مانتو	Mantua		
مانیتور	Monitor		نمایشگر
ماوس	Mouse		موش
مترو	Metro		
suspect	-	speculate	مشکوک
موبایل	Mobile		تلفن همراه
موتور	Motor		
موتور سیکلت	Motorcycle		
مودم	Modem		
واشر	Washer		
واکس	Wax		موم
narrate	-	To tell a story	گزارش دادن
وایرلس	Wireless	Without wire	بدون سیم
وب کم	Webcam	Web camera	دوربین وب
ویدیو	Video		
هارد دیسک	Hard disc	دیسک سخت-لوح فشرده	
هلی کوپتر	Helicopter		
هندل	Handle	دستگیره	دسته
Motion	-	movement	حرکت
گیربکس	gearbox	جعبه دنده	
پریموس	primus	اجاق	stove
اسکن	scan	مرور اجمالی	

کلمات مشترک انگلیسی

دیزاین	design	طرح	decoration
میکس	mix	مخلوط کردن	blend
Poll	-	survey	رای-نظر
سوئیت	suit		suit
منو	menu	صورت غذا	فهرست انتخاب(رایانه)
تم	theme	موضوع	subject
آلرژی	allergy	sensitiveness	حساسیت
سوپ	soup		
لیست	list	صورت برداری	فهرست
triumph	-	A victory	پیروزی
دپرس	depress	sad	ناراحت
اپ	App	Application	برنامه
SHAERit	share	شریک شدن	برنامه موبایل
رفرنس	reference	-	ارجاع دادن
سوپر من	Superman	بمعنای Super فوق العاده	از دو بخش تشکیل شده است man بمعنای انسان
بتمن	Batman	خفاش: Bat	مرد خفاشی
اسپایدر من	Spiderman	عنکبوت: Spider	مردman
چرب	greasy		
آر티ست	artist	-	هنرمند
mediocre	-	متوسط	average
اوت	out	outside	خارج
کریدور	corridor	راهرو	
پلاستر	Plaster	پلاستر بمعنای گچ میباشد.	گچ
کنکور	counter	count از کلمه معنای شمردن است.	شمارشگر
ژنراتور	generator	از کلمه تولید generate کردن است.	مولد(برق)
تروریست	terrorist		

کلمات مشترک انگلیسی

ترانزیت	transit	عبوری
Situated	-	قرار گرفتن
ترمینال	terminal	پایانه

کلمات زبان عربی در انگلیسی

انگلیسی	عربی	معنی	انگلیسی	عربی	معنی
Admiral	امیر البحر	دریاسالار	coffee	قهوه	قهوه
Adobe	الطوبه	گل	cotton	قطن	پنبه
Chemistry	الکیمیا	شیمی	crimson	قرمزی	قرمز
Legitimate	قانونی	lawful	elixir	اکسیر	اک
interpret	clarify	تفسیر	کلمه تافل	-	-
Alcohol	الکل	الکل	giraffe	زرافه	زرافه
cupola	القبة	قبة	jar (food or drink container)	جرّة	کوزه
algebra	جبر	جبر	ingredients	elements	عناصر
jasmine	یاسمین	یاسمین	safari	سفری	مسافرتی
jinn	جن	جن	saffron	زعفران	زعفران
jumper	جبة	نوعی لباس	sofa	صفاة	مبل
lacquer	لاک	لاک و الکل	syrup	شراب	نوشیدنی
tangible	real	محسوس	-	کلمه تافل	-
magazine	مخازن	مجله	tuna	التنّ	ماهی تن
apricot	البرقوق	زرد آلو	typhoon	طوفان	طوفان
mummy	مومیا	مومیایی	assassin	حشیشین	ترور
arsenal	دارالصناعه	ذرادخانه	attar	عطر	عطر
ambergris	عنبر	نوعی عطر			
popinjay	بیغاء	طوطی	average	عوار	متوسط

کلمات مشترک انگلیسی

(parrot)

کلمات مشترک ترکی

basket	basket	سبد	yat	yacht	
feribot	ferryboat	کشتی تفریحی	çip	chip	تراشه
hol	hall	راهرو	çita	cheetah	چیتا
curative	Cure: درمان	healing	درمانی		تافل
hostes	hostess	میزبان مهماندار	şerif	sheriff	کلانتر
ofsayt	offside	آفساید	şov	show	برنامه
spam	spam	تبلیغات ایمیلی	aksesuar	accessory	لوازم یدکی
striptiz	striptease		aktif	active	فعال
süveter	sweater	نوعی رقص	akrobasi	acrobat	آکروباتیک

aktüel

actual

aplikasyo
n

applicatio

Vast aktif	huge active	کلمه تافل فعال	وسیع antisosyal	n antisocial	- مخالف اجتماع
akümülatör	accumulator	انباشت	astronot	Astronaut	فضانورد
alarm	alarm	هشدار	atlet	athlete	ورزشکار
alternatif	alternative	جایگزین	atmosfer	atmosphere	جو
anonim	anonymous	ناشناس	otonom	autonomous	مستقل
anormal	abnormal	نابهنجار	otopsi	autopsy	کالبد شکافی
clever	intelligent	کلمه تافل	باهوش	-	-
anons	announcement	اعلامیه	otorite	authority	قدرت

کلمات مشترک انگلیسی

balistik	ballistic		büst	bust	
barbar	barbarian	قوم بربر	şampiyon	champion	قهرمان
bibliyografya	bibliography	کتاب شناسی	kamping	camping	اردو زدن
biyografi	biography	زنده گینامه	kaos	chaos	بحران
boycot	boycott	تحریم	kapasite	capacity	گنجایش
advice	suggestion	تاقل	پیشنهاد	-	-
bürokrasi	bureaucracy	بروکراسی	kapital	capital	پایتخت
katedral	cathedral	کلیسا جامع	kolon	colony	مستعمره
kategori	category	شاخه بندی	kumandan	commander	فرمانده
santral	central	مرکزی	kombinasyon	combination	ترکیب
seremoni	ceremony	جشن	komedi	comedy	طنز
silindir	cylinder	استوانه	komiser	commissioner	کمیسر
collide	crash	تاقل	برخورد	-	-
sirkülasyon	circulation	چرخه	komisyon	commission	کمیسیون
sivil	civil	داخلی	kompleks	complex	پیچیده
klan	clan	گل	komplike	complicated	پیچیده شدن
klasifikasyon	classification	رده بندی	kompozisyon	composition	تصنیف
koalisyon	coalition	ائتلاف	kompozitör	composer	اهنگساز
koleksiyon	collection	مجموعه	komünikasyon	communication	ارتباطات
assert	declare	تاقل	اعلام کردن	-	-
kolektif	collective	بهم پیوسته	konsantre	concentrated	خود پسند
koleji	college	دانشگاه	konsantrasyon	concentration	تمرکز
kont	count	شمردن	kübik	cubic	مکعبی
konsolos	console	مشاور	kup	cube	مکعب

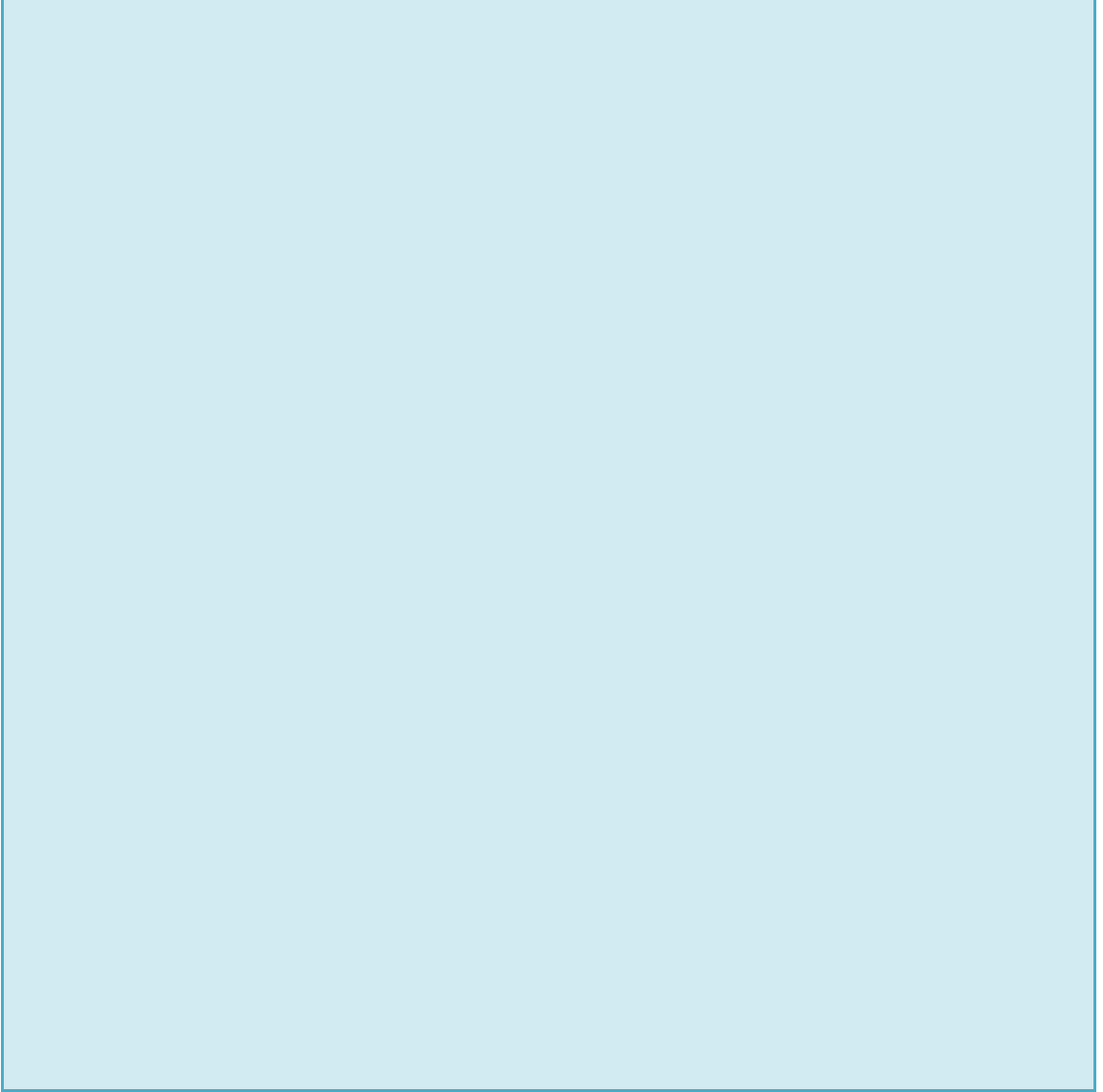
کلمات مشترک انگلیسی

kooperatif	cooperative		kültür	culture	
persuade	convince	تافل	قانع کردن	-	-
koordinasyon	coordination	همکاری	kurs	course	دوره
koro	chorus	گروه کر	dans	dance	رقص
kredi	credit	اعتبار	deklarasyon	declaration	اعلامیه
kriminal	criminal	مجرم	dekorasyon	decoration	تخریب
kriz	crisis	بحران	deformasyon	deformation	نابودی
hristiyan	christian	مسیحی	dejenerasyon	degeneration	انحطاط
kritik	critical	انتقادی	deoderant	deodorant	بوزدا
emit	release	تافل	پخش شدن	-	-
kriter	criterion	معیار	despot	Despot	حاکم مستبد
kronik	chronic	متوالی	deterjan	detergent	
delege	delegate	نمایندگی دادن	diyapozitif	dispositive	عبارت حکم
depozit	deposit	سپرده حساب	diplomasi	diplomacy	سیاست
direkt	direct	مستقیم	fars	farce	نمایش خنده اور
disiplin	discipline	نظم	feminist	feminist	حقوق زنان
core	Chief	تافل	هسته	گروه است	منظور هسته
eko	eco	بوم	fraksiyon	fraction	بخش
ekonomi	economics	اقتصادی	fonksiyon	function	عمل
ekvator	equator	استوا	füzyon	fusion	جوش خوردن
elastik	elastic	کشسانی	galaksi	galaxy	کهکشان
elegan	elegant	زیبا	jenerasyon	generation	نسل
ansiklopedi	encyclopedia	دانشنامه	jeoloji	geology	زمین شناسی

کلمات مشترک انگلیسی

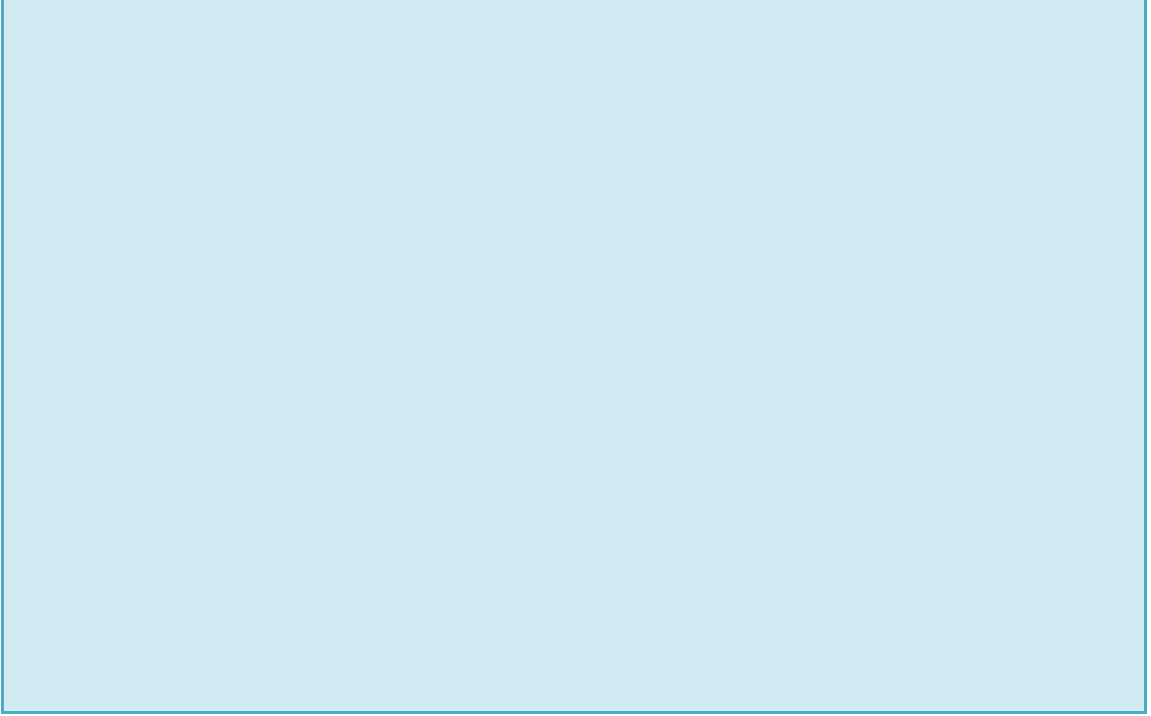
cultivate	grow	تافل	کاشتن	-	-
epik	epic	حماسی	geometri	geometry	هندسه
erozyon	erosion	فرسایش	armoni	harmony	هماهنگی
etnik	ethnic	قبیله ای	hipopota m	hippopota mus	اسب دریایی
ekstra	extra	اضافه	onur	honor	افتخار
faktor	factor	عامل	illegal	illegal	غیرقانونی
fakülte	faculty	کارگروه	imaj	image	تصویر
exports	Foreign sales	تافل	صادرات	-	-
Skull	-	جمجمه	-	-	-
fanatic	fanatik	تندرو	endirekt	indirect	غیرمستقیم
fanatic	fantastic	عالی	endüstri	industry	صنعتی
enfeksiyo n	infection	الودن	enformas yon	informati on	اطلاعات
enflasyon	inflation	تورم	enstantan e	instantane ous	فوری
enstitü	institute	موسسه	iris	iris	عنبیه
enstrüma n	instrumen t	وسایل موسیقی	- entrika	intrigue	دسیسه کردن
enternasy onal	internatio nal	بین المللی	ironi	irony	کنایه امیز
skeptical	unconvinc ed	تافل	قانع نشده	-	-

کلمات مشترک انگلیسی



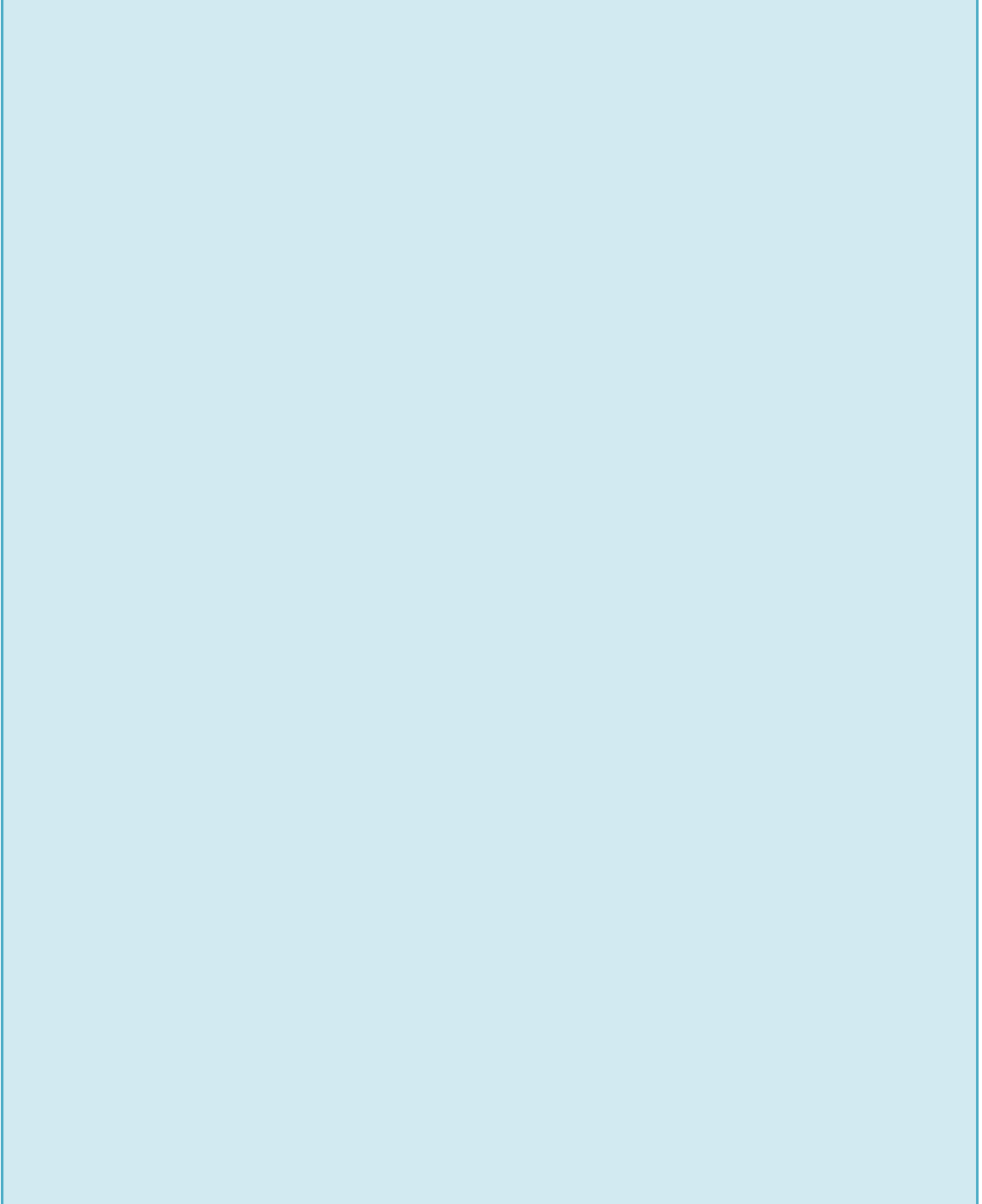
Common words

کلمات مشترک انگلیسی



Common words

کلمات مشترک انگلیسی



Common words



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

